

پژوهشی پیرامون کتاب تذکره الملوک نوشته رفیع الدین
ابراهیم شیرازی، مورخ دربار عادل شاهیان:
براساس نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس^۱

محمد عباسی^۲

(دریافت مقاله: ۹۷/۰۷/۰۹ پذیرش نهایی: ۹۷/۰۷/۲۱)

چکیده

یکی از مهم‌ترین کتاب‌های فارسی درباره تاریخ سلسله بهمنیان و عادل شاهیان تذکره الملوک، نوشته رفیع الدین ابراهیم شیرازی، مورخ دربار عادلشاهیان است. نسخه‌هایی از این اثر در موزه و کتابخانه سالار جنگ، کتابخانه آصفیه، کتابخانه بریتانیا و کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود. در این مقاله تنها به معرفی نسخه موجود در کتابخانه ملی پاریس و ویژگی‌های آن پرداخته شده است. در این نوشتار کوشیده‌ایم پس از بررسی شرح حال و آثار رفیع الدین ابراهیم شیرازی، اهمیت و جایگاه کتاب تذکره الملوک در مطالعات تاریخ دکن و همچنین تأثیر وی بر مورخان بعدی را مطالعه کنیم. سپس به ویژگی‌های کتابتی و رسم الخطی نسخه یعنی شکل خط به کار رفته در آن، ویژگی‌های تزئینی اثر، نوع صامت‌های واژگان و ویژگی‌های نثر فارسی آن، اشاره شده است. همچنین این پژوهش می‌کوشد نشان دهد که آیا این نسخه به خط نویسنده است یا کاتب و اینکه درباری و با حامی یکی از اشراف کتابت شده یا انگیزه‌های شخصی در کتابت آن نقش داشته است.

کلید واژه: بهمنیان دکن، تذکره الملوک، رفیع الدین ابراهیم شیرازی، عادل شاهیان

1. Bibliotheque Nationale Paris.

۲. عضو گروه مطالعات شبه قاره هند و جنوب شرق آسیا، بنیاد دایره المعارف اسلامی،

Email: mo.abbasi@rch.ac.ir.

مقدمه

کتاب تذکره الملوک نوشته رفیع‌الدین ابراهیم شیرازی، مورخ دربار عادل‌شاهیان و از آفاقی‌های مشهور در دکن، یکی از مهم‌ترین آثار در تاریخ عادل‌شاهیان است که از اهمیت فراوانی در مطالعات تاریخ دکن دارد. به جز فصل اول کتاب که در نشریه «تاریخ»^۱ در حیدرآباد دکن چاپ شد، باقی آن تاکنون چاپ نشده است. و. ر. ناتو در مقاله‌ای با عنوان «تاریخ بیجاپور نگاشته رفیع‌الدین شیرازی»^۲ به بررسی کتاب تذکره الملوک پرداخته است. وی، بخش‌های مربوط به تاریخ سلاطین بهمنی، عادل‌شاهی و ویجیانگر کتاب تذکره الملوک را نیز، در مقاله خود ترجمه کرده است. میجر کینگ^۳ نیز تنها بخش مربوط به بهمنی‌ها را به زبان انگلیسی ترجمه و به عنوان ضمیمه در ترجمه بخش‌هایی از کتاب برهان مآثر، نوشته علی بن عزیز طباطبای، با عنوان «تاریخ سلسله بهمنی، بر اساس برهان مآثر»^۴ چاپ کرده است. مدخل رفیع‌الدین ابراهیم شیرازی در دایره‌المعارف اسلام (ویراست دوم)^۵ و ایرانیکا^۶، که به‌توسط کارل. وی ارنست^۷، نوشته شده، بسیار کوتاه و مختصر است و نویسنده، بیشتر به زندگی رفیع‌الدین ابراهیم شیرازی و مناسبات وی با عادل‌شاهیان پرداخته و تنها نام آثار او را برشمرده و از معرفی کامل مهم‌ترین اثر وی یعنی تذکره الملوک و اهمیت آن در مطالعات تاریخ دکن غفلت کرده است. پ. م. جوشی و هارون‌خان شروانی، از پژوهشگران برجسته هندی نیز، در کتاب «تاریخ میانه دکن (۱۲۹۵-۱۷۲۴)»^۸، صفحاتی را به معرفی کتاب تذکره الملوک اختصاص داده‌اند. آنها در این مقاله پس از شرح حال رفیع‌الدین ابراهیم شیرازی، به معرفی کتاب و فصول آن پرداخته و برخی آگاهی‌های مهمی را درباره اهمیت این اثر، ذکر کرده‌اند. با این حال، معرفی آنها کامل و جامع نیست و به مطالبی نظیر منابعی که رفیع‌الدین ابراهیم شیرازی در تألیف تذکره الملوک بهره برده و تأثیری که وی بر

1. *Tārīkh* {Hyderabad} iii / 9, Suppl. (Jan.-March.1931), pp 2- 41

2. V. R. Natu, "A History of Bijapur by Rafiuddin Shirazi," *Journal of the Bombay Branch of the Royal Asiatic Society* 22, 1905-08, pp. 17-29.

3. Major King

4. The History of Bahmani Dynasty, founded on Burhan- i Ma,asir, London, 1900, p 23- 80

5. s.v " SHĪRĀZĪ, RAFĪ AL-DĪN"

6. S.v " EBRĀHĪM ŠĪRĀZĪ, RAFĪ AL-DĪN"

7. Carl W. Ernest

8. P. M. Joshi & H. K. Sherwani "Contemporary Source Material" in *History of Medieval Deccan(1295-1724)*, (1974), p 580- 581

مورخان پس از خود گذاشته، نپرداخته‌اند. صادق نقوی نیز در بخش نخست کتاب <سهم آفایه‌های ایرانی در دوره سلاطین قطب‌شاهی و عادل‌شاهی>^۱ ضمن معرفی برخی آثار فارسی در دوره سلاطین دکن، به معرفی مختصر تذکره الملوک نیز پرداخته و تنها به شرح حال رفیع‌الدین ابراهیم شیرازی و اهمیت اثرش درباره قطب‌شاهیان و مناسباتشان با عادل‌شاهیان و همچنین بناهای شهر حیدرآباد دکن اشاره کرده است. آ.ی. خان در مقاله‌ای با عنوان «تذکره الملوک نگاشته رفیع‌الدین ابراهیم شیرازی، منبعی در تاریخ سلطنت اکبر»^۲ تنها به بررسی اطلاعات تذکره الملوک درباره تاریخ دوران اکبر (حک: ۹۶۳-۱۰۱۴) پرداخته است. بنابراین در هیچ یک از پژوهش‌هایی که درباره این اثر انجام شده، معرفی کامل و جامعی از تذکره الملوک ارائه نشده است. همچنین این نویسندگان، نسخه خطی و ویژگی‌های نسخه شناسی آن را معرفی نکرده و حتی به برخی جنبه‌های مهم آن و تأثیری که رفیع‌الدین شیرازی بر مورخان پس از خود گذاشته، توجه نداشته‌اند.

شرح حال و آثار رفیع‌الدین ابراهیم شیرازی

رفیع‌الدین ابراهیم شیرازی در حدود ۹۴۷ در شیراز به دنیا آمد و در ۹۶۷ و در بیست سالگی برای تجارت راهی دکن شد. وی نخست وارد شهر ساغر در جنوب گُلبرگه گردید و در آنجا به تجارت پارچه پرداخت و پس از آن به بیجاپور رفت و به خدمت علی عادل‌شاه اول (حک: ۹۶۵-۹۸۷) و جانشین وی ابراهیم عادل‌شاه دوم (حک: ۹۸۷-۱۰۳۵) پیوست (شیرازی، گ ۱۸، پ، ۲۹۳). لیاقت و کاردانی او باعث شد که بتواند در دربار عادل‌شاهیان شیعی از موقعیت مناسبی برخوردار شود و به مناصب عالی چون خوانسالار، ریاست حرم شاهی و ضرابخانه برسد و تا پایان عمر خویش در ۱۰۲۰ در این مناصب باقی بماند (شیرازی، گ ۳، زبیری، ۱۳۱؛ Joshi & H. K. Sherwani, 580). او همچنین در زمان ابراهیم عادل‌شاه دوم ریاست حکومت پدیاپور را که شهری اقتصادی در نزدیکی بیجاپور بود، بر عهده داشت و پس از رهایی از توطئه‌ای که برخی درباریان علیه او انجام دادند، به منصبی عالی‌تر یعنی «ریاست حکومت بیجاپور» دست

1. S. Naqvi, *The Iranian Afaquies Contribution to the Qutb Shahi and Adil Shahi Kingdoms*, (2003), p 12- 13.

2. I. A. Khan, "The Tazkirat al-Muluk by Rafiuddin Ibrahim Shirazi as a Source on the History of Akbar's Reign," *Studies in History* 2, 1980, pp. 41-56.

یافت و حدود پانزده الی شانزده سال در این منصب پا برجا بود (شیرازی، گ ۲۹۳ پ، زبیری، ۱۷۸). شیرازی علاوه بر تصدی مناصب یاد شده، در کارهای سیاسی و نظامی نیز فعالیت داشت. وی در ۹۷۱ و در نبرد مشهور تالیکوتا^۱ / بنیهتی^۲ که میان ویجیانگر و اتحادیه متشکل از حکومت‌های قطب‌شاهی، نظام‌شاهی و عادل‌شاهی رخ داد، شرکت داشت و ابراهیم عادل‌شاه دوم نیز دو بار وی را به همراه هیأتی سیاسی جهت حل اختلاف‌هایی که میان امرای نظام شاهی پیش آمده بود، به احمدنگر فرستاده بود (زبیری، ص ۲۳۳-۲۴۳؛ فزونی استرآبادی، گ ۱۴۲ پ - ۱۴۵ پ).

رفیع‌الدین ابراهیم شیرازی در مقدمه کتاب *تذکره الملوک* (شیرازی، گ ۷ پ) تصریح کرده که پیش از آغاز تألیف این اثر، به سبب نایاب بودن کتابهای *روضه‌الصفاء*، نوشته میرخواند و *حبیب‌السیر*، نوشته خواندمیر خلاصه‌ای از آنها را به دستور ابراهیم‌عادل‌شاه دوم تهیه کرده است، اما از این خلاصه تا کنون نسخه‌ای یافته نشده است.

سبب تألیف کتاب

رفیع‌الدین شیرازی، در ۱۰۱۷ کتاب *تذکره الملوک* را به زبان فارسی نگاشت و در ۱۰۲۰ نیز مطالبی به آن افزود. نویسنده سبب تألیف این کتاب را گردآوری خلاصه‌ای از احوال سلاطین دکن و پادشاهان معاصر آنان دانسته و اشاره می‌کند که اطلاعات او بر پایه منابع نگاشته شده درباره این سلسله و نیز مشاهدات شخصی خود او است (شیرازی، گ ۷ پ، ۸ ر). «بخاطر ناقص رسید که مجملی از احوال سلاطین دکن از ابتدای اسلام این ملک و پادشاهانی که معاصر ایشان بوده اند بعضی را که پیشتر بوده اند بعد از تفحصات و تحقیقات احوال مرقوم ساختم و بعضی را خود مشاهده نموده و می‌نماید...»

منابع مؤلف

رفیع‌الدین ابراهیم شیرازی به ندرت به منابع تاریخی که اطلاعات خود را از آنها گرفته اشاره می‌کند اما برخی حوادث دوره بهمنیان را از کتاب *تاریخ بهمنی*، از نویسنده‌ای ناشناس گرفته است. همچنین به نظر می‌رسد، با توجه به اینکه وی کتاب *حبیب‌السیر* را قبل از تألیف *تذکره الملوک* خلاصه کرده و نسخه‌ای از آن را در اختیار داشته است،

1. Talikota
2. Bannihatti

برخی اطلاعات مربوط به دوران شاه طهماسب (حک: ۹۳۰-۹۸۴) را از این اثر گرفته باشد. رفیع‌الدین ابراهیم شیرازی به مانند خواندمیر تاریخ سلسله صفویان را از دوران سلطنت شاه طهماسب آغاز می‌کند و برخی مطالب آن نیز بسیار شبیه به آن است (برای مقایسه مطالب این دو اثر نک: خواندمیر، ص ۵۳۱-۶۰۳؛ شیرازی، گ ۲۱۴ پ - ۲۵۳ ر). ظاهراً به سبب شهرت کتاب *تاریخ ایلچی نظام‌شاه*، نوشته خورشاه بن قباد الحسینی (متوفی ۹۷۲) در دکن و همچنین برخی شباهت‌های دیگر کتاب تذکره الملوک به این اثر، می‌توان آن را یکی دیگر از منابع مورد استفاده شیرازی جهت نگارش وقایع دوران شاه طهماسب و سلطان محمد خدابنده به شمار آورد (برای مقایسه مطالب این دو اثر نک: خورشاه بن قباد الحسینی، ۸۴-۸۵، ۹۱-۹۳، ۹۶-۱۰۳، ۱۶۰-۱۷۵، ۱۹۲-۱۹۷؛ شیرازی، گ ۲۱۴ پ- ۲۱۹ ر). کتاب *اکبرنامه*، نگاشته ابوالفضل علامی از منابع اصلی رفیع‌الدین شیرازی در نگارش وقایع مربوط به دوران اکبر و همچنین تاریخ گجرات و سلاطین آنجا بوده است، با مقایسه این دو اثر و شباهت مواد تاریخی و گاه ترتیب عناوین مطالب کتاب‌ها می‌توان به این مهم دست یافت. برخی از اطلاعات تاریخی که شیرازی از آنها استفاده کرده، از دیگران شنیده و در اثرش ذکر کرده است و در واقع جزو مسموعات او به شمار می‌آید؛ مثلاً در جایی از کتاب درباره تیموریان ایران می‌گوید: «چنان استماع افتاد...» (شیرازی، گ ۱۹۳ ر). شیرازی بیشتر مطالب غیرتاریخی مثلاً مطالب مربوط به پزشکی را از کتاب *ذخیره خوارزم شاهی*، نوشته اسماعیل جرجانی، سنگ شناسی را از کتاب *جواهر نامه*، نگاشته خواجه نصیرالدین طوسی و برخی مسائل فقهی را از کتابی با عنوان *تذکره الفقها* برداشت کرده است (همان، گ ۱۳ پ، ۲۸۸ پ، ۲۹۱ ر پ). وی در خاتمه کتاب به ذکر غرایب و عجایب پرداخته و در این بخش مطالب مربوط به داستان ایرانی «هفتواد» را از کتاب *شاهنامه* فردوسی گرفته است (فردوسی، ج ۷، ۱۳۹-۱۵۳؛ شیرازی، گ ۲۶۴ پ - ۲۷۰ ر).

ویژگی‌های کتاب تذکره الملوک و اهمیت آن در مطالعات تاریخ دکن

مقدمه کتاب با تاریخ سلسله بهمنیان آغاز می‌شود. در این بخش آگاهی‌های او درباره آغاز کار بنیانگذار بهمنیان و رابطه او با پیشوای بهمنیان شیخ سراج‌الدین جُنیدی، شرح حال تاج‌الدین فیروزشاه (حک: ۸۰۰-۸۲۵)، آخرین سلطان بهمنیان در گلبرگه اهمیت دارد (شیرازی، گ ۸ پ- ۹ ر پ، ۱۱ پ - ۱۳ ر). هرچند به منابعی که این گزارش‌ها را

از آنها گرفته اشاره‌ای نمی‌کند. همچنین اطلاعات مهمی درباره محمود گاوآن و چگونگی ورود او به دکن و دربار بهمنیان و نیز اوضاع اقتصادی و بازرگانی این دوره دارد (همان، گ ۱۴ ر پ- ۱۵ ر). در فصل‌های بعدی کتاب به تاریخ عادل‌شاهیان تا ابراهیم عادل‌شاه دوم پرداخته شده و اطلاعات آن درباره تاریخ دوران حکومت علی عادل‌شاه اول و ابراهیم عادل‌شاه دوم بسیار مفید است. گزارش‌های این اثر درباره قطب‌شاهیان و مناسبات آنان با عادل‌شاهیان، بنای شهر حیدرآباد دکن و کاخ‌های آنجا نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. رفیع‌الدین شیرازی به سبب حضورش در نبرد تالیکوتا/ بنیهتی، گزارش‌های دقیق و جالبی را درباره این نبرد ارائه داده است (Joshi & H. K., Sherwani, vol 2, 580- 581; Naqvi, 13 تذکره/الملوک به چشم می‌خورد این است که وی، چهار سلطان نخست سلسله عادل‌شاهیان را بدون عنوان «شاه» ذکر می‌کند (شیرازی، گ ۱۸، پ، ۲۷، پ، ۳۱). نکته دیگر آنکه وی شجره‌نامه بنیان‌گذار سلسله عادل‌شاهیان را دنبال کرده و به این نتیجه رسیده که نسب یوسف عادل‌خان به محمود بیگ ساوّه در آسیای مرکزی می‌رسد نه به سلطان محمود عثمانی (همان، گ ۱۸ پ- ۲۰ ر پ، گ ۲۱۰ پ- ۲۱۴ ر پ). شیرازی درباره نخستین باری که در دکن از توپخانه استفاده شده مطالب قابل توجهی بیان کرده است (همان گ ۵۷ پ). او در بخش‌های دیگر کتاب به تاریخ گجرات و تاریخ مغولان هند از بابر تا اکبر و تاریخ صفویان نیز پرداخته است.

اهمیت کتاب تذکره/الملوک در تاریخ عادل‌شاهیان به اندازه‌ای است که برخی از مورخان اطلاعات خویش را از این کتاب گرفته‌اند. میرهاشم بیگ فزونی استرآبادی نویسنده کتاب فتوحات عادل‌شاهی یکی از مهمترین این آنان است. وی این اثر را در ۱۰۵۰-۱۰۵۱ ق. برای محمد عادل‌شاه (حک: ۱۰۳۵-۱۰۶۶ ق) نگاشته و در آن به تاریخ سلطنت شش سلطان نخست عادل‌شاهی پرداخته و بیش از همه به تاریخ دوره ابراهیم عادل‌شاه دوم (حک: ۹۸۸-۱۰۳۵ ق) و محمد عادل‌شاه توجه کرده است. بر اساس شواهد موجود در کتاب فتوحات عادل‌شاهی، کتاب تذکره/الملوک یکی از منابع اصلی فزونی استرآبادی در تألیف این اثر بوده به گونه‌ای که او اطلاعات مربوط به نسب نامه عادل‌شاهیان و همچنین برخی وقایع مربوط به دوران یوسف عادل‌شاه (حک: ۹۱۶-۹۴۱ ق)، اسماعیل عادل‌شاه (حک: ۹۴۱-۹۴۱ ق)، ابراهیم عادل‌شاه اول (حک: ۹۴۱-۹۶۵ ق) و علی عادل‌شاه اول (حک: ۹۶۵-۹۸۷ ق) را از این کتاب گرفته و بارها در

جاهای مختلف کتاب روایت‌هایی را از قول رفیع‌الدین ابراهیم شیرازی آورده است (برای آگاهی بیشتر درباره تأثیر کتاب تذکره الملوک بر کتاب فتوحات عادلشاهی، نک: فزونی استرآبادی گ ۸-ر ۹ پ، گ ۹ پ-۱۱ ر، گ ۲۰ پ - ۲۳ ر، گ ۱۴۲ پ - ۱۴۴ ر). فزونی استرآبادی حتی در ترتیب عناوین اثر خویش به شیوه کتاب تذکره الملوک عمل کرده و گاه برخی عناوین و حتی نوشته‌های او بی هیچ کم و کاستی شبیه به اثر رفیع‌الدین ابراهیم شیرازی است (برای مقایسه عناوین و مطالب کتابها نک: رفیع‌الدین ابراهیم شیرازی، گ ۲۶ پ-۲۷ ر؛ فزونی استرآبادی، گ ۱۱ ر-۱۵ پ). یکی دیگر از مورخان برجسته در تاریخ عادل‌شاهیان که برخی اطلاعاتش را از کتاب تذکره الملوک برداشت کرده، میرزا ابراهیم زبیری مؤلف کتاب تاریخ بیجاپور مسمی به بساتین السلاطین است. زبیری این کتاب را در حدود ۱۲۲۶ ق. و در هشت «بوستان» نگاشته و در هر بوستان رویدادهای دوران یکی از سلاطین عادل‌شاهی تا دوران نگارش این اثر ذکر شده است. زبیری در مقدمه کتاب خویش، فهرستی از منابعی که در تألیف اثرش از آنها بهره برده به همراه توضیح‌هایی کوتاه درباره آن آثار آورده و اشاره می‌کند که کتاب تذکره الملوک نیز یکی از منابع مورد استفاده او بوده است (زبیری، ۳-۴). زبیری بر اساس کتاب تذکره الملوک، نسب عادل‌شاهیان را به امیرزاده‌ای از ساوه به نام یوسف بیگ ساوی می‌رساند و همچنین برخی وقایع مربوط به دوران یوسف عادل‌شاه، علی عادل‌شاه اول، ابراهیم عادل‌شاه اول، اطلاعات مربوط به فرستاده شدن رفیع‌الدین ابراهیم شیرازی به دربار نظام شاهیان احمدنگر و برخی مطالب مربوط به رامراج از سلاطین ویجیانگر را از کتاب تذکره الملوک نقل کرده است (برای آگاهی بیشتر درباره تأثیر کتاب تذکره الملوک بر کتاب تاریخ بیجاپور مسمی به بساتین السلاطین نک: زبیری، ۵، ۲۲، ۷۲، ۱۰۷، ۱۵۸، ۱۶۸، ۲۳۳-۲۴۳). ترتیب عناوین این کتاب با تذکره الملوک متفاوت است، بدین سبب که زبیری از کتابهای دیگری در تاریخ عادل‌شاهیان چون محمدنامه نوشته ملا ظهور، فتوحات عادلشاهی فزونی استرآبادی و اثر منظوم نصرتی با عنوان علی‌نامه نیز بهره برده و تذکره الملوک تنها منبع مورد استفاده او نبوده است (زبیری، ۳-۴).

معرفی نسخه خطی

نسخه خطی این اثر در کتابخانه ملی پاریس به شماره ۶۱۹ موجود است و دارای ۲۹۷ برگ است.

آغاز نسخه:

رب یسر بسم الله الرحمن الرحيم و تمم بالخیر
 حمد و ثنای که اشعه لمعاتش {چون بارقه نور} از چهره حور تابان شد و قطرات
 زلالش چو رشحات سلسل بر وجنات ریاحین خلد روان کرد و شکر و سپاس که نفحات
 مجمر نکهتش آتش در دل لاله سیراب اندازد و شمه از روایح نسیمش خون در جگر آهو
 تاتار نافه مشک ناب کردانید.

این اثر را نمی‌توان، «نسخه خط مؤلف»، دانست، چراکه در انتهای نسخه، واژه‌های
 پرکاربرد کاتبان نسخه‌های خطی اسلامی چون «تمت» و «تمت تمام شد» تکرار شده و
 همچنین در «آغاز» نسخه نیز واژه‌های «رب یسر» و «و تمم بالخیر» آمده که یادآور سنت
 کاتبان در کتابت نسخه‌های خطی اسلامی است. دیگر اینکه جمله پایانی با قلمی
 بزرگ‌تر از متن اصلی نسخه نگاشته شده که یکی از علائم استنساخ از سوی کاتب است.
 دلیل دیگر، شیوه معرفی نویسنده و کتاب در انتهای نسخه است؛ زیرا در صورتی که خود
 مؤلف این نسخه را نوشته بود به گونه ای دیگر و احتمالاً با خضوع و خشوع خود را
 معرفی می‌کرد، چنانکه در جایی از کتاب خود را این‌گونه معرفی می‌کند: «العبد الفقیر
 الی الله الباری رفیع شیرازی» (شیرازی، گ ۵ ر). بنابراین حدس ما این است که این
 نسخه کاتب داشته است، اما به دلایل نامعلومی از ذکر نام خود و همچنین اطلاعات
 مربوط به کتابتش خودداری کرده است.

پایان نسخه

فقیر بموجب فرموده جهان پناه عمل نمودم باندک روزی به اصلاح آمد چون هر روزه بخود
 آب مرغ میدادیم بکوشت خوردن عادت کرد بشرف اسلام مشرف کردید مدت‌ها زندگانی کرد
 و السلام تمت تذکرة الملوک تالیف رفیع الدین ابراهیم شیرازی تمت تمام شد.

ویژگیهای کتابتی

این نسخه با خط نستعلیق خفی کتابت، نگاشته شده است. نسخه فاقد «سرلوح» است و

۱. در متن نسخه کتابخانه ملی پاریس افتادگی دارد، اما در فهرست نسخه‌های خطی فارسی در موزه و
 کتابخانه سالار جنگ، ج ۱، ۴۰۶-۴۰۷، و در فهرست مشروح بعضی کتب نفیسه قلمیه کتب خانه
 آصفیه سرکار عالی، ج ۱، ص ۱۹۲-۱۹۳ این جملات آمده است.

ابتدای آن بسیار ساده و بدون هیچ تزئینی آغاز می‌شود. خطوط این نسخه، کرسی‌بندی یا سطر‌بندی منظم و مرتبی دارد به گونه‌ای که تمام سطور با فاصله مناسب از هم قرار گرفته و انباشتگی واژه‌ها در انتهای سطرها دیده نمی‌شود. عناوین موضوع‌ها از متن جدا نشده و پشت سر آنها آمده و فقط کمی درشت تر از متن و با رنگی تیره نگاشته شده است. ظاهراً دلیل این کار این بوده که، خطاط یا کاتب می‌خواستند در استفاده از صفحات صرفه جویی کند و این نیز احتمال این را که این نسخه غیر درباری و بدون هیچ حامی اشرافی کتابت شده، بسیار بالا می‌برد. جملات عربی، با خطی مایل به خط نسخ و بسیار درشت نوشته شده‌اند. روی هم رفته، خط این نسخه با وجود اینکه توسط خطاط حرفه‌ای نوشته نشده و خطی ساده و معمولی به شمار می‌آید، اما بسیار خوانا و پاکیزه است.

این نسخه، صفحه آرای و حاشیه نویسی ندارد و تنها متن هر صفحه در قالب یک حاشیه خیلی ساده و برجسته و به شکل مربع قرار گرفته است. از میان ویژگی‌های معمول در نسخه‌های خطی اسلامی، شیوه «رکابه» در تمام صفحات این اثر رعایت شده و خواننده را برای صفحات بعدی راهنمایی می‌کند. این نسخه با وجود اینکه تا حدودی خوانا و خوش خط است اما افتادگی‌های زیادی در آن به چشم می‌خورد (برای نمونه نک: همان، گ ۲۹۶ پ، گ ۲۹۵ پ، گ ۲۹۷ ر).

ویژگیهای رسم الخطی

- صامت «گ» در همه جای کتاب به صورت «ک» به کار رفته است: «و چشم نرکس (نرگس) در بدایع فطرتش سراسیمه و حیران»، «خورشید معرفت سرکردان (سرگردان) مانده»، یا در موارد دیگری چون کلبرکه (کلبرگه)، بارگاه (بارگاه) و ... این شیوه به چشم می‌خورد (همان، گ ۲ ر، گ ۲ پ، گ ۹ پ، گ ۲ ر).

- صامت «ب» در بیشتر موارد به صورت «پ» یا برعکس استفاده شده است: «ان (آن) پادشاهی (پادشاهی) که چتر بر سر مبارکش ابر مشکین برمی‌داشت»، «بعضی را که پیشتر (بیشتر) بوده اند بعد از تفحصات و تحقیقات احوال مرقوم ساخته‌ام»، «بالکی (پالکی) را برداشته به احمدنگر برده و در حوال شهر نزول کردند» (همان، گ ۴ ر، گ ۷ پ، گ ۲۰۳ پ).

- صامت «ج» در بیشتر موارد به صورت «ج» آمده است: «تفنکجیان» (تفنگچیان)، «رایجور» (رایچور) (همان، گ ۲۴۱ ر، گ ۲۸۹ ر).

- در بیشتر موارد علامت «~» روی الف نیامده است: «انگاه» (آنگاه)، «افتاب» (آفتاب)، انکه (آنکه)، آموزگار (آموزگار) (همان، گ ۲ پ، گ ۵ پ).
- اتصال کلمات، یکی از شیوه‌های رایج در این اثر است که علاوه بر اتصال «می» در افعال، گاه اسامی نیز به شکل متصل بهم نگاشته شده‌اند: «انتقام میکشید»، «برمیداشت»، «حسناباد» (حسن آباد) «شبانروز» (شبانه روز) بعباس پادشاه (به عباس پادشاه) (همان، گ ۲ ر پ، گ ۱۰ ر، گ ۲۳۴ پ، گ ۲۴۵ ر).
- عدم نقطه گذاری کلمات یا جا انداختن یک نقطه در واژگان دونقطه‌ای: «بدات مقدس» (بذات مقدس)، عمکین (غمگین)، «فنج» (فتح)، «عرض کرد» (عرض کرد) «گرفنه» (گرفته)، فلعه (قلعه)، حوص (حوض)، «نداست» (نداشت) (همان، گ ۲ ر پ، گ ۱۰ ر، گ ۲۳۴ پ، گ ۲۴۵ ر).
- املاي برخی از کلمات عربی به شیوه فارسی یا بالعکس: «بقیت السیف» (بقیة السیف)، «حیوة» (حیات)، «حلاوة» (حلاوت)، «الکریمُ إذا وَعَدَ وفا (وَفَى)»، شاه نعمة الله (شاه نعمت الله). (همان، گ ۹ پ، گ ۴۷ ر، گ ۲۳۷ ر، گ ۲۳۸ پ).
- استفاده از اعداد فارسی و عربی و همچنین ذکر اعداد به رقم: «در سنه ثمان و اربعین و سبعمایة»، «سنه الف و عشر»، «در تاریخ یک هزار و شش سال هجری»، «در سنه ۹۸۵». (همان، گ ۹ پ، گ ۲۸۸ پ، گ ۲۹۱ ر، گ ۲۹۷ ر).
- اشتباهات املايی: «انقیاط» (انقیاد)، امام ثامن امام علی ابن (بن) موسی الرضا، «اسماعیل میرزا ابن (بن) شاه طهماسب، «خواجه بیک میرزا ابن (بن) معصوم بیک». (همان، گ ۵ پ، گ ۹۲ پ، گ ۲۲۴ ر، گ ۲۶۳ ر).
- کاربرد عبارات عربی: «اظهر من الشمس»، «والله اعلم بالصواب بالصواب»، «ایدک الله تعالی»، «العهدة علی الراوی»، «الله اعلم بحقایق الامور» (همان، گ ۱۹۰ پ، گ ۲۶۴ ر، گ ۲۷۴ ر، گ ۲۸۷ ر، گ ۲۹۴ ر).
- ضرب المثل‌های منظوم فارسی: «میان دو کس جنک چون آتشست، سخن چین بدبخت هیزم کش است (کشست)»، «وقت ضرورت چو نماند کریز (گریز) دست بکیرد (بگیرد) سر شمشیر تیز» (همان، گ ۱۸۳ پ، گ ۲۴۱ پ؛ ابیاتی از گلستان سعدی، ۴۸، ۵۲۴).
- حذف «الف» در اسامی اشخاص: «نوشیروان» (نوشیروان)، «استنبول» (استانبول)، «اسمعیل عادل شاه» (اسماعیل عادل شاه) (همان، گ ۲۷۱، گ ۲۷۸ ر، گ ۲۹۳ پ).

ویژگی‌های نثر کتاب

نثر کتاب ساده و روان است اما دیباچه آن تاحدودی مسجع و متكلفانه نگاشته شده است. نویسندگان در اغلب صفحات کتاب از آیات قرآن کریم، عبارات عربی و نیز در موارد بسیار از اشعار شعرای مشهور ایرانی استفاده کرده است (برای نمونه نک: همان، گ ۲، ۳، ۴، ۵ ر).

نمونه‌هایی از آیات قرآن:

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ

(سوره احزاب، آیه ۵۶)

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

(سوره الحديد، آیه ۳)

لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَن بَيْنَةٍ

(سوره انفال، آیه ۴۲)

نمونه‌هایی از اشعار فارسی:

محمد کافرینش هست خاکش	هزاران آفرین بر جان پاکش
زبس تیرباران که آمد بجوش	فکند ابر بارانی خود ز دوش
گر آن تیرباران کنون آمدی	به جای نم از ابر خون آمدی
(ابیاتی از نظامی گنجوی در کلیات خمسه، بخش شرفنامه، ۱۰۸۶)	

نتیجه‌گیری

اهمیت کتاب تذکره الملوك در مطالعات تاریخ دکن به ویژه اطلاعاتش درباره سلسله‌های بهمنیان و عادل شاهیان و همسایگان آنان بسیار در خور توجه است چراکه به سبب از میان رفتن برخی از تواریخ دوره بهمنیان، بسیاری از اطلاعات بارزش این سلسله در این اثر یافته می‌شود. همچنین علاوه بر اهمیت تذکره الملوك درباره سلسله عادل شاهیان، گزارش‌های آن درباره وقایع سلاطین هم عصر او یعنی علی عادل شاه اول و ابراهیم عادل شاه دوم بسیار معتبر و مهم می‌نماید. ویژگی‌های مهم این اثر باعث شد

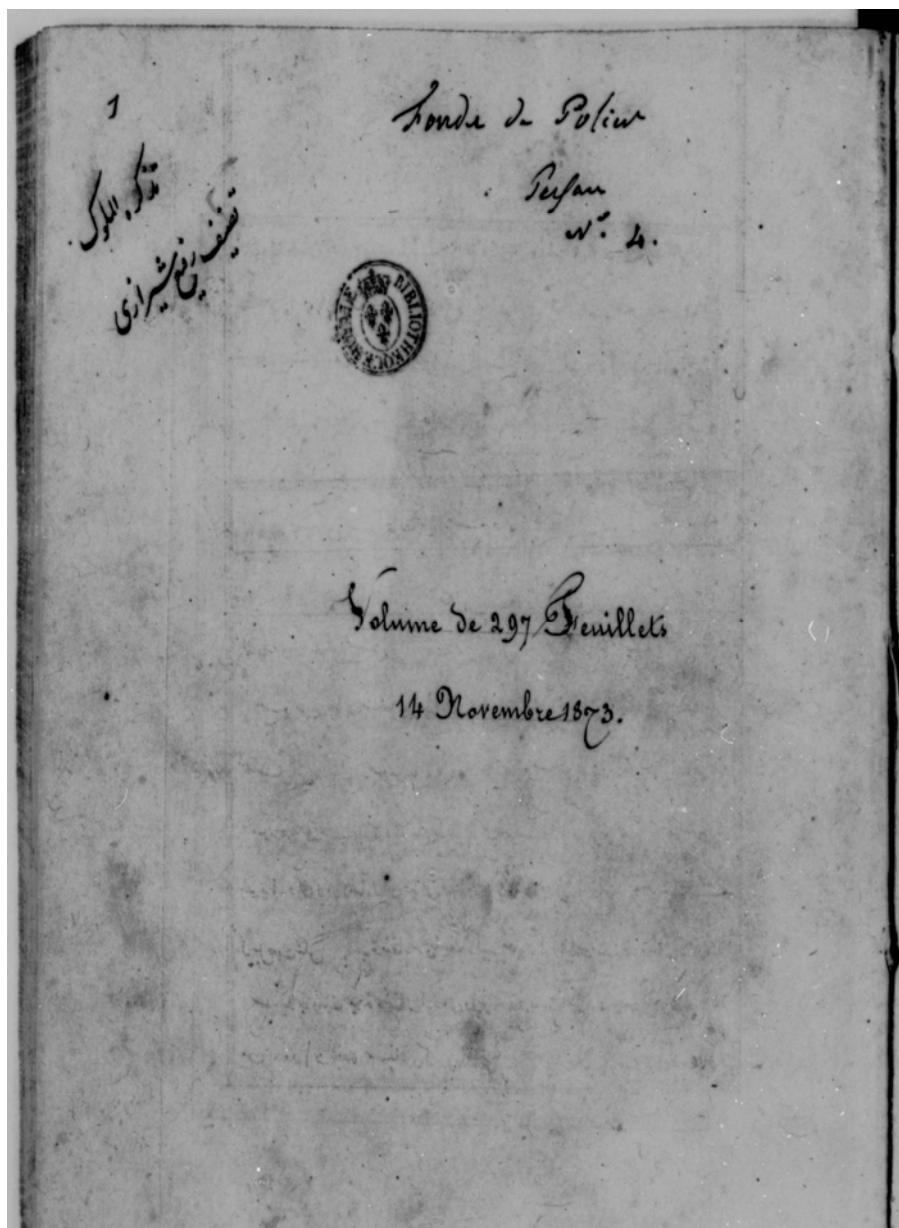
که برخی از مهم‌ترین مورخان پس از رفیع‌الدین ابراهیم شیرازی، عمده اطلاعات خویش درباره این دو سلسله را از کتاب او بگیرند. تأثیر او هم از لحاظ مواد تاریخی و گاه شیوه تاریخ‌نگاری مثلاً در ترتیب عناوین مطالب و گاه شباهت شکل عناوین، در کتاب‌های *فتوحات عادلشاهی* فزونی استرآبادی و *تاریخ بیجاپور* مسمی به *بساتین السلاطین* میرزا ابراهیم زبیری، به خوبی دیده می‌شود.

در دیگر نسخه‌های *تذکره الملوک* که در موزه و کتابخانه سالار جنگ و کتابخانه آصفیه نگهداری می‌شود، نام کاتب، سال کتابت و دیگر ویژگی‌ها و اطلاعات مربوط به کتابت اثر ذکر شده، اما در نسخه کتابخانه ملی پاریس و حتی در فهرست نسخه‌های خطی این مجموعه^۱، نام کاتب و اطلاعات کتابت‌ش نیامده است. هرچند با وجود شواهد بسیار می‌توان حدس زد که این اثر کاتب داشته اما به دلایل نامعلومی از آوردن نام خود و سالی که کتابت کرده خودداری کرده است. از لحاظ سبک شناسی نیز، کتاب *تذکره الملوک* جزو آن دسته از متون فارسی هند به شمار می‌آید که به جای استفاده از واژه‌های بومی مثلاً هندی یا اردو که در بیشتر تواریخ فارسی این منطقه دیده می‌شود، تا حدود زیادی متأثر از زبان عربی است، زیرا واژه‌های عربی، عبارات عربی، آیه‌های قرآن و احادیث، در سرتاسر کتاب به وفور دیده می‌شود. ظاهراً این اثر از معدود کتابهای فارسی نگاشته در دکن باشد که نثر فارسی آن دارای این‌چنین ویژگی‌هایی است.

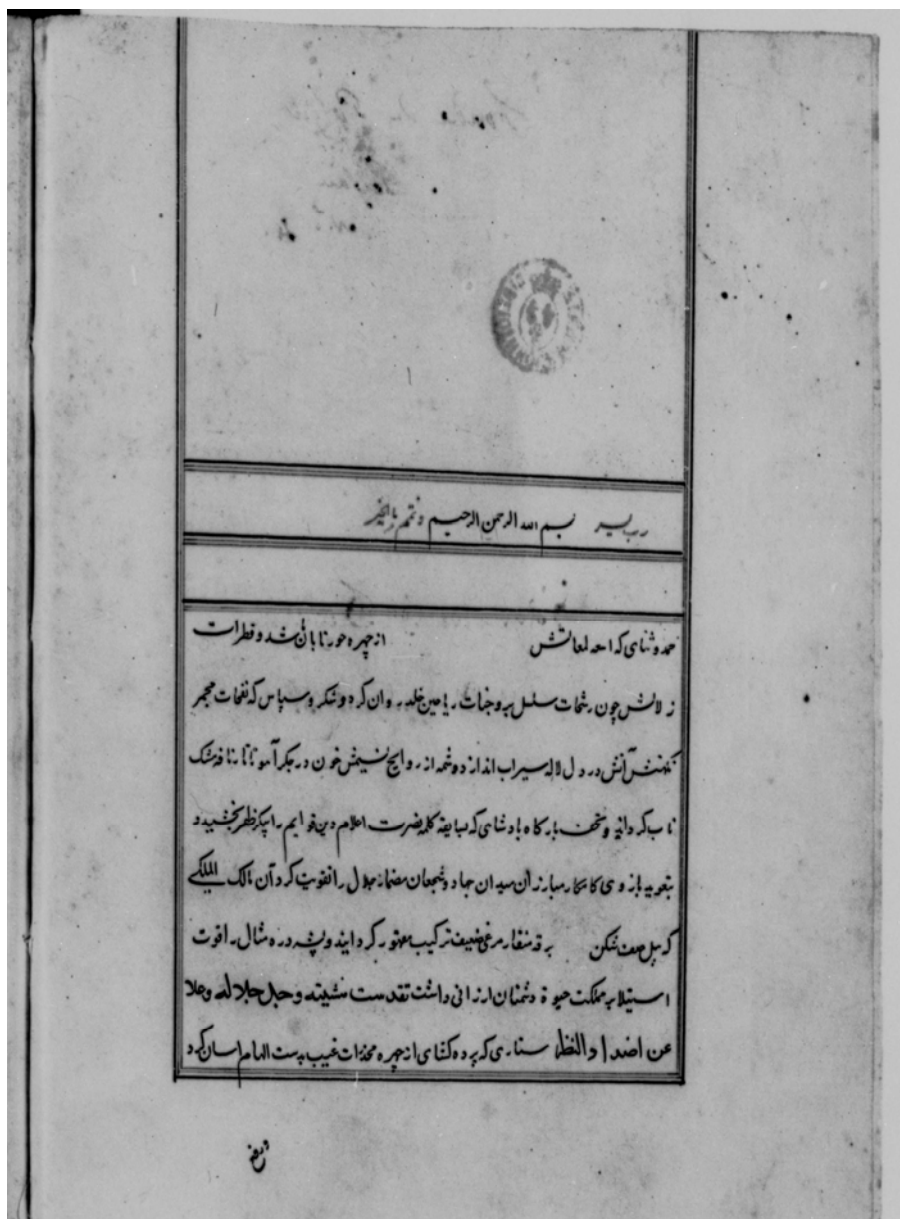
1. Bibliotheque Nationale: Catalogue des Manuscrits Persans.



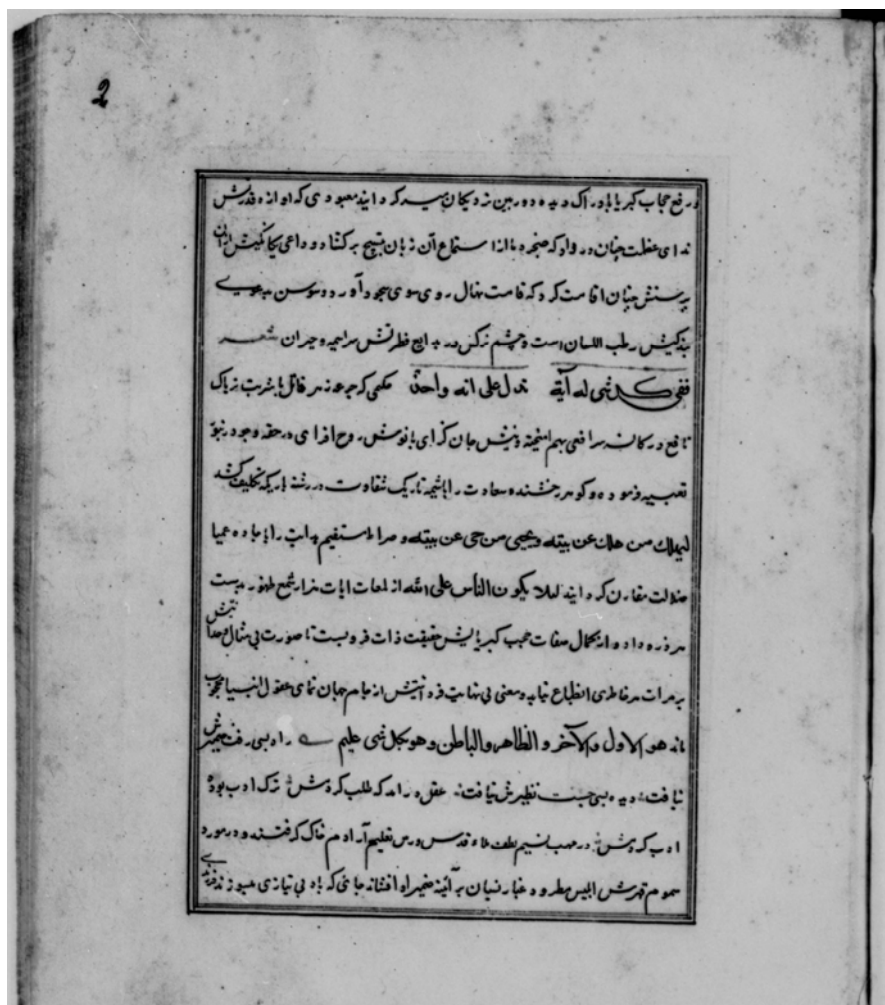
(تصویر شماره ۱: نسخه خطی تذکره الملوک، نوشته رفیع‌الدین ابراهیم شیرازی، تألیف
بین ۱۰۱۷-۱۰۲۰هـ.ق، کتابخانه ملی پاریس، به شماره ۶۱۹، تصویر روی جلد)



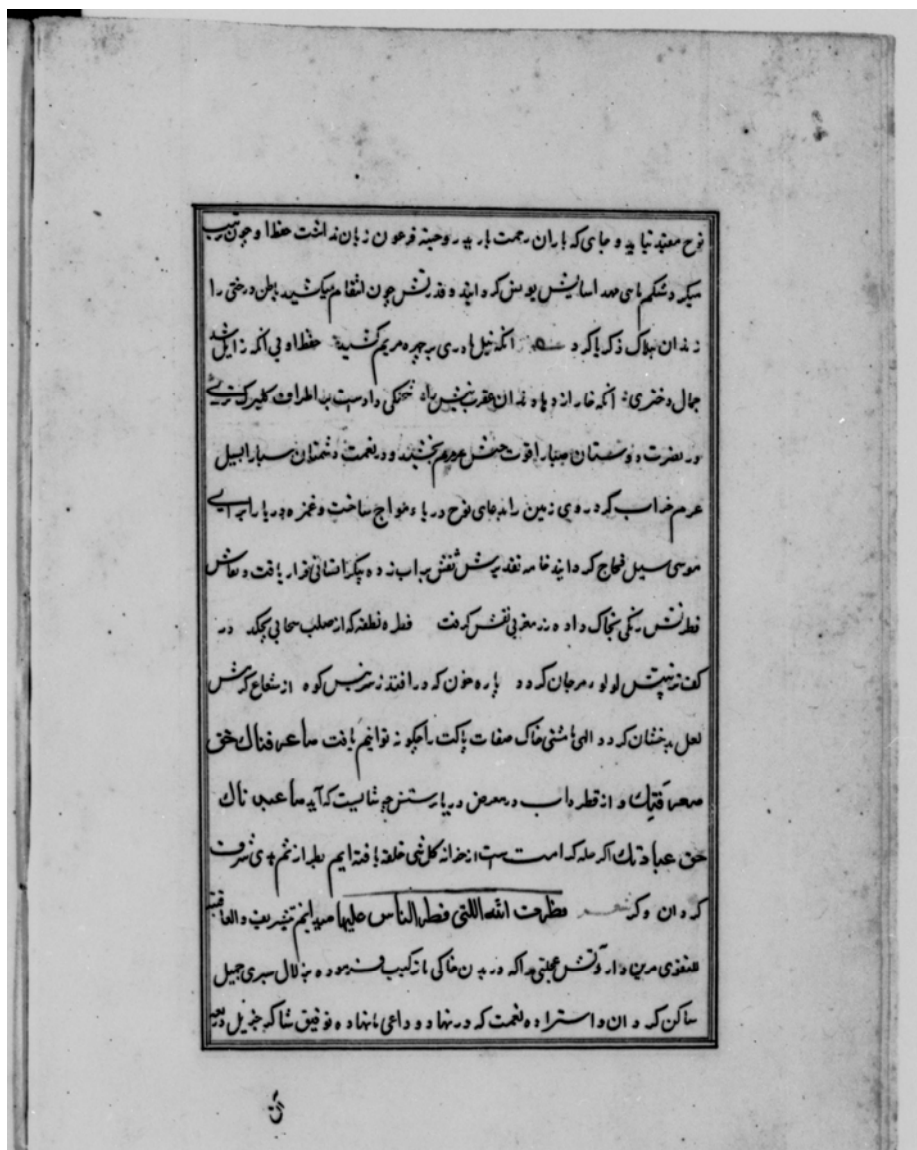
(تصویر شماره ۲: نسخه خطی تذکره الملوک، نوشته رفیع الدین ابراهیم شیرازی، تألیف بین ۱۰۱۷-۱۰۲۰ هـ.ق، کتابخانه ملی پاریس، به شماره ۶۱۹، برگ ۱ ر).



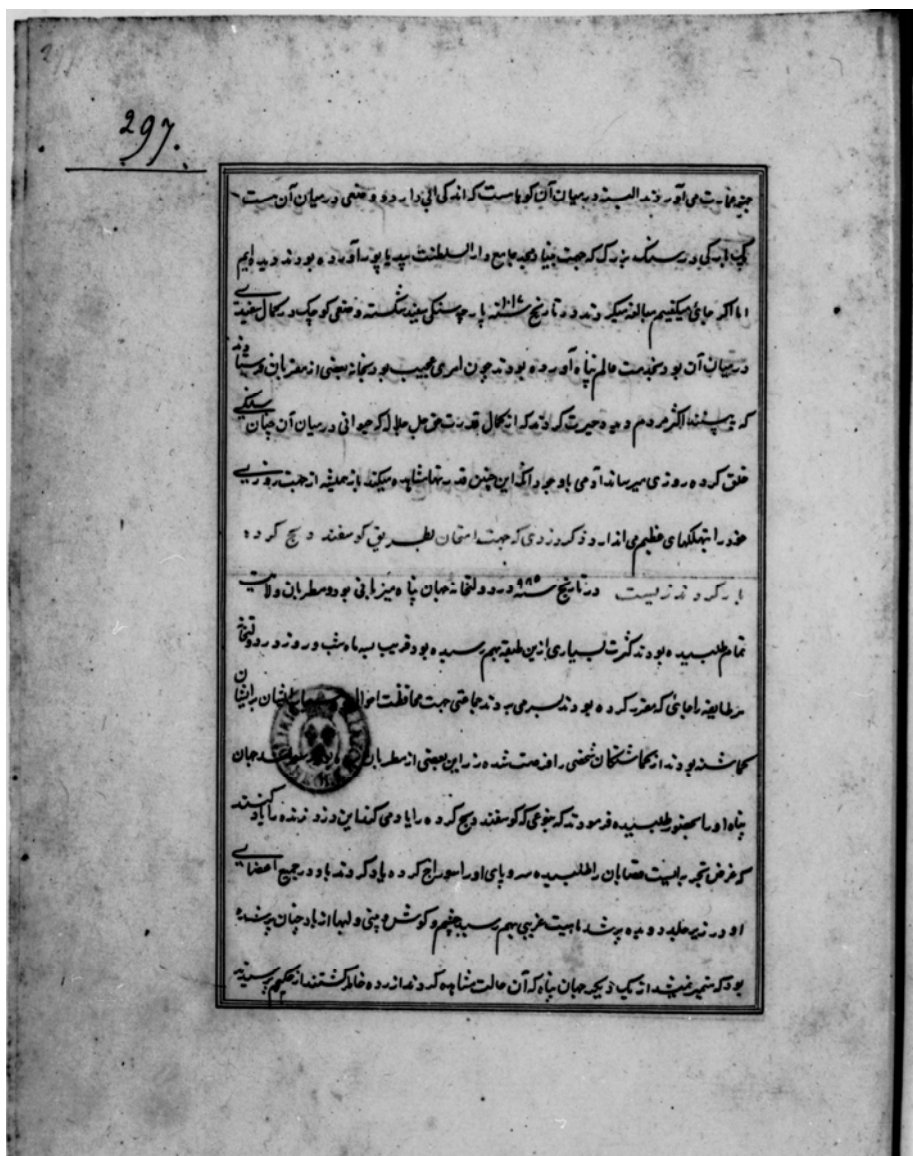
(تصویر شماره ۳: نسخه خطی تذکره الملوک، نوشته رفیع‌الدین ابراهیم شیرازی، تألیف بین ۱۰۱۷-۱۰۲۰ ه‍.ق، کتابخانه ملی پاریس، به شماره ۶۱۹، برگ ۱ پ)



(تصویر شماره ۴: نسخه خطی تذکره الملوک، نوشته رفیع الدین ابراهیم شیرازی، تألیف بین ۱۰۱۷-۱۰۲۰ هـ.ق، کتابخانه ملی پاریس، به شماره ۶۱۹، برگ ۲ ر)



(تصویر شماره ۵: نسخه خطی تذکره الملوک، نوشته رفیع‌الدین ابراهیم شیرازی، تألیف بین ۱۰۱۷-۱۰۲۰ ه‍.ق، کتابخانه ملی پاریس، به شماره ۶۱۹، برگ ۲ پ)



(تصویر شماره ۶: نسخه خطی تذکره الملوک، نوشته رفیع الدین ابراهیم شیرازی، تألیف بین ۱۰۱۷-۱۰۲۰هـ، کتابخانه ملی پاریس، به شماره ۶۱۹، برگ ۲۹۷ ر).

منابع

قرآن کریم

- خواندمیر، *تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابفروشی خیام، زمستان ۱۳۶۲ (چاپ سوم).
- خورشاه بن قباد الحسینی، *تاریخ ایلچی نظام شاه*، چاپ محمدرضا نصیری- کوئیچی هانه‌دا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹.
- زبیری، میرزا ابراهیم، *تاریخ بیجاپور مسمی به بساتین السلاطین*، حیدرآباد دکن: ۱۲۲۳ ق. سعدی، *گلستان*، چاپ خطیب رهبر، {بی نا}، {بی تا}.
- شیرازی، رفیع‌الدین ابراهیم، *تذکره الملوک*، نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی پاریس، به شماره ۶۱۹.
- علامی، ابوالفضل، *اکبرنامه*، چاپ مولوی آغا احمد علی و المولوی عبدالرحیم، کلکته: مطبع مظهر العجائب المعروف به اردوگائید پریس، ۱۸۷۷-۱۸۸۷ م. = ۱۲۵۶-۱۲۶۶.
- فردوسی، ابوالقاسم، *شاهنامه فردوسی*، چاپ م. ن. عثمانوف، زیر نظر ع. نوشین، مسکو: اداره انتشارات دانش، ۱۹۶۸.
- فزونی استرآبادی، میرهاشم بیگ، *فتوحات عادلشاهی*، نسخه خطی موجود در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، به شماره ۵۲۸۹.
- میر عثمان علی خان بهادر، *فهرست مشروح بعض کتب نفیسه قلمیه مخزونه کتب خانه آصفیه سرکار عالی*، حیدرآباد دکن: ۱۳۵۷ ق.
- نظامی گنجوی، *خسرو و شیرین*، چاپ برات زنجانی، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، پاییز ۱۳۷۶ (چاپ اول).
- همو، *کلیات خمسه نظامی گنجوی: مخزن الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر (بهرام نامه-هفت گنبد)، اسکندرنامه (شرفنامه- اقبالنامه)*، مقدمه و شرح حال از شبلی نعمانی، با اهتمام م. درویش، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۶۶.
- A catalogue of the Persian manuscripts in the Salar Jung Museum & Library*, Compiled by Muhammad Ashraf With a foreword by Pattom A. Thanu Pillai, introd. By Zakir Husain, Salar Jung Museum and Library Hyderabad, Andhra Pradesh: 1965.
- Bibliothèque Nationale: Catalogue des Manuscrits Persans*; Paris: par E. Blochet, Imprimerie Nationale, 1905.
- Encyclopaedia Iranica*, Edited by Ehsan Yarshater, California, Mazda Publisher, 1998.
- Joshi, P. M. & Sherwani, H. K. "Contemporary source material" *History of Medieval Deccan (1295-1724)*, ed by H. K. Sherwani & P. M. Joshi, Andhra Pradesh: 1974.

- Khan, I. A., "The Tazkirat al-Muluk by Rafiuddin Ibrahim Shirazi as a Source on the History of Akbar's Reign" *Studies in History* 2, 1980.
- King, Major, *The History of Bahmani Dynasty, founded on Burhan-i Ma'asir*, London: 1900.
- Naqvi, Sediq, *The Iranian Afaqies Contribution to the Qutb Shahi and Adil Shahi Kingdoms*, Hyderabad: 2003.
- Natu, V.R., "A History of Bijapur by Rafiuddin Shirazi," *Journal of the Bombay Branch of the Royal Asiatic Society* 22, 1905-08.
- Ta'kirat al-mulūk*, partial edition by H. S. S. Qāderī, *Tārīkh* (Hyderabad), 3/9, suppl., January-March 1931, pp. 2-41, complete edition by A. N. M. Ālīdī.
- The Encyclopaedia of Islam* Edited by C.E Bosworth, E. van Donzel, W.P. Heirichs and the late G. Lecomte, Leiden, Brill, 1997.

